

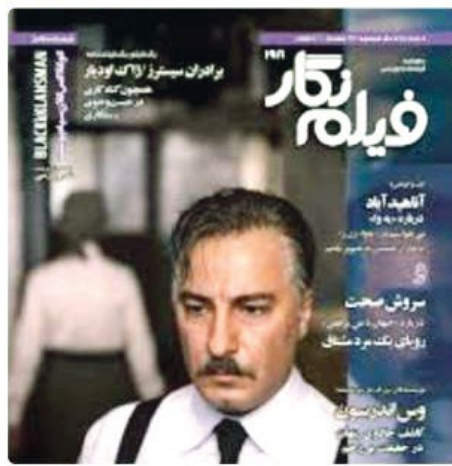
صدرصد همین طور است. امروز بسیاری از فیلم‌های کوتاه، به دلیل حضور تیم‌های حرفه‌ای، ظاهر شیک و فریبنده‌ای دارند. اما این که در دل آن فیلم، فیلم‌سازی واقعی وجود داشته باشد، مسئله‌ای کاملاً متفاوت است. خیلی وقت‌ها این زرق و برق‌ها فقط ضعف‌ها را می‌پوشانند. اگر هدف ما کشف استعداد باشد، باید اجازه دهیم خامی و ناپختگی طبیعی کار اول‌ها دیده شود. آن جاست که می‌شنود فهمید چه کسی آینده دارد و چه کسی نه.

### در پایان گفت و گو، اگر بخواهید نگاهی کلی به وضعیت فعلی سینمای ایران داشته باشید، چه می‌گویید؟ آینده را چگونه می‌بینید؟ و اگر پیامی برای مخاطبان، فیلم‌سازان جوان یا سردبیران نشریات سینمایی دارید، چیست؟

مادر حال حاضر با یک بحران جدی مواجهیم؛ بحرانی که از ترکیب بی‌سلیقه‌ی، بی‌مسئولیتی، رانت و سیاست‌گذاری‌های غلط شکل گرفته است. اما این بحران، به نظر من کاملاً بی‌راه حل نیست. اما برای خروج از این وضعیت، چند اقدام اساسی باید به‌طور هم‌زمان صورت بگیرد: نخست، سینما باید از سلطه بخش نامه‌ها، شوراها، کمیسیون‌ها و مداخله‌های اداری رها شود. سینما یک هنر زنده و یک صنعت پویاست، نه یک اداره دولتی یا نهاد بروکراتیک. دوم، باید به تربیت دوباره ذائقه فرهنگی برگشت؛ از مسیر رسانه‌ها، نشریات، و حتی آموزش‌های غیررسمی. همان کاری که مجلات جدی سینمایی گذشته با نسل ما کردند. سوم، باید جوان‌ها را جدی گرفت، اما نه بدون ضابطه و ارزش‌یابی. باید به آن‌ها فرصت داد، اما همراه با سنجش. باید دید چه کسی واقعاً استعداد دارد، و چه کسی تنها با تکیه بر پول یا ارتباطات وارد سینما شده.

### در چنین شرایطی، برای نشریاتی مانند «صبا» چه نقشی قائل هستید؟

به نظر من اگر «صبا» می‌خواهد جایگاهی جدی و ماندگار پیدا کند، باید به عمق برود. باید سراغ نویسندگان و منتقدان جدی، نگاه‌های تئوریک و بحث‌های زیبایی‌شناسی برود. در حال حاضر، مجلات زیادی هستند که صرفاً اخبار تولید می‌کنند، عکس بازبگرا را منتشر می‌کنند یا پست‌های اینستاگرامی را بازنشر می‌دهند. اما چند رسانه واقعاً تحلیل ارائه می‌دهند؟ چندتا دنبال تفکرند؟ ما به رسانه‌ای نیاز داریم که برای آن بخش از مخاطب که به دنبال معنا، تحلیل و عمق است، تولید محتوا کند. رسانه‌ای که فیلم‌ساز جوان را شناسایی کند، فیلم‌ساز جدی را نقد کند، روندها را بررسی کند، گذشته را یادآوری کند و آینده را بسازد. امیدوارم روزی فرا برسد که دوباره ادبیات نقد و تفکر سینمایی در این کشور جدی گرفته شود. امیدوارم نسل جوان، اگر می‌خواهد وارد سینما شود، با عشق بیاید، نه فقط با پول یا توهمات اینستاگرامی. و امیدوارم این گفت‌وگو اگر فقط یک نفر را به فکر وادارد، ارزش خودش را پیدا کرده باشد.



باید به تربیت دوباره ذائقه فرهنگی برگشت؛ از مسیر رسانه‌ها، نشریات، و حتی آموزش‌های غیررسمی. همان کاری که مجلات جدی سینمایی گذشته با نسل ما کردند

می‌شدند، اما من که نوجوانی شهرستانی بودم، از طریق مجلاتی چون «سینما ۵۱» یا «سینما ۵۲» با این فیلم‌سازها آشنا شدم. در خوزستان اصلاً امکان دیدن فیلم‌های خاص وجود نداشت، اما آن مجلات به من یاد دادند که نیکلاس ری کیست، یا چرا «پیر پائولو پازولینی» یک فیلم‌ساز مهم است. این یعنی قدرت ادبیات سینمایی. امروز هم باید همان مسیر تکرار شود. یک بخش قابل توجه در ماهنامه شما اتفاقاً همین سینمای جهان است که هر شماره سینمای یک کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد، بهترین کارگردان‌ها و فیلم‌های آن کشور معرفی می‌شوند و... این خیلی آموزنده و الهام بخش است.

### به فیلم‌سازان جوان اشاره کردید؛ بسیاری از آن‌ها مسیرشان را از فیلم‌های کوتاه و دانشجویی آغاز می‌کنند. به نظر شما، این حوزه واقعاً مناسبی برای کشف استعدادها هست یا نه؟

در حال حاضر ما با یک بحران جدی در حوزه فیلم کوتاه و دانشجویی مواجه هستیم. تقریباً همه می‌خواهند فیلم کوتاه بسازند، اما نه با امکانات ساده یا تیم‌هایی در سطح خودشان، بلکه با استفاده از عوامل کاملاً حرفه‌ای! فیلم‌بردار حرفه‌ای، صدابردار حرفه‌ای، تدوین‌گر حرفه‌ای، بازگیر شناخته شده... خوب، نتیجه چیست؟ تمام نابلدی‌ها و ضعف‌های کارگردان در پشت کیفیت فنی و اجرای حرفه‌ای عوامل پنهان می‌شود. در چنین شرایطی نمی‌توان به درستی تشخیص داد که آیا فیلم‌ساز جوان واقعاً استعداد دارد یا صرفاً محصول همکاری تیمی با تجربه را ارائه داده است.

### خب از نگاه شما، مسیر درست برای یک فیلم‌ساز جوان چیست؟

فیلم‌ساز جوان باید با گروهی در سطح خودش کار کند؛ با امکانات محدود، با تجهیزات ساده، با دست خالی. فقط در این فضاست که خلاقیت واقعی خودش را نشان می‌دهد. آن جاست که مشخص می‌شود آیا این فرد می‌تواند با حداقل‌ها داستان مؤثر روایت کند یا نه. اگر قرار است فیلم کوتاه سکوی پرتابی برای ورود به سینمای حرفه‌ای باشد، باید ماهیتی «آزمایشگاهی» داشته باشد، نه اینکه نسخه بدل و فریبنده‌ای از یک تولید تمام‌عیار و حرفه‌ای باشد.

### یعنی استفاده از فضای حرفه‌ای مانع از کشف استعدادها و واقعی می‌شود؟

### ماهنامه‌های سینمایی، این نشریات در این میان، چگونه می‌توانند تأثیرگذار باشند؟

یک نشریه جدی می‌تواند در همین نقطه وارد عمل شود؛ با نگاه دقیق، فیلم‌سازان جوانی را که واقعاً استعداد دارند شناسایی کند، درباره آثارشان بنویسد، تحلیل‌های جدی ارائه دهد و فضایی برای گفت‌وگو و بازخورد بسازد. نباید صرفاً همراه موج شد. بلکه باید ایستاد، ارزیابی کرد و به جای تکرار صداهای بلند، صدای ارزشمند را تقویت کرد.

### برویم سراغ ماهنامه «صبا»؛ شما به عنوان یک کارگردان، چه پیشنهاد مشخصی برای ارتقای محتوای این مجله دارید؟ از نظر شما چه موضوعات را زوایایی کمتر مورد توجه قرار گرفته که می‌تواند به جذابیت و اعتبار بیشتر این نشریه در نگاه سینماگران کمک کند؟

بنیید، ماهنامه صبا سابقه‌ای چند ساله دارد و جای خودش را بین اهالی سینما باز کرده است، اما اگر قرار است مجله‌ای مانند «صبا» جدی گرفته شود، باید خودش هم به سراغ افراد جدی برود. باید در کنار نویسندگان و منتقدان جوان‌تر از نویسندگانی دعوت به همکاری کند که هم عالم‌اند و هم سال‌های سال خاک نشریات را خورده‌اند؛ کسانی که سینما را به خوبی می‌شناسند، تجربه دارند، دست به قلم‌اند و شعور نوشتن دارند. این مجله نباید دنبال بازار گرمی با حضور چهره‌های پرفالوئر یا چهره‌سازی‌های شبکه‌های باشد. من به عنوان یک کارگردان، وقتی مجله‌ای را ورق می‌زنم، علاقه‌ای به خواندن صرف اخبار مربوط به فیلم‌های در حال اکران ندارم؛ ترجیح می‌دهم با تحلیلی مواجه شوم که چیزی به دانش من اضافه کند، نگاهی تازه به من بدهد.

### حالا اگر بخواهیم مصداقی‌تر صحبت کنیم به طور مشخص، از نظر شما چه موضوعاتی باید در اولویت قرار بگیرد؟

موضوعاتی مثل بررسی روندها، تحلیل کار فیلم‌سازهای کمتر شناخته شده ولی تأثیرگذار، یا پرداختن به فیلم‌هایی که شاید اکران نمی‌شوند اما ارزش تأمل و گفت‌وگو دارند. همچنین یادداشت‌هایی درباره زیبایی‌شناسی، تکنیک، روایت و زبان سینمایی از مواردی است که جایش در اکثر مجلات فعلی خالی است. یک مثال مشخص بزنم: پیش از انقلاب، فیلم‌های جدی و ارزشمند به‌ندرت روی پرده می‌رفتند. فیلم‌هایی از کارگردانانی مانند برگمان یا گدار به سختی اکران